

حال (قید حالت)

تعریف

اسم یا جمله ای که حالت فاعل یا مفعول قبل از خودش را بیان می کند
جاء علیّ ماشیاً = علی پیاده آمد.
رأیت الطالب و هو فرحٌ = دانش‌آموز را درحالی دیدم که خوشحال بود.

انواع

مفرد (تک کلمه ای)

نکره
منصوب
مشتق
ویژگی‌ها:

علی پیاده آمد. / جاء علیّ ماشیاً

جمله حالیه

انواع

اسم معرفه + واو حالیه + ضمیر
اسمیه ساختار

رأیت الطالب و هو فرحٌ
دانش‌آموز را درحالی دیدم که خوشحال بود

اسم معرفه + فعل
اسمیه ساختار فعلیه

رأیت محمداً یصلی
محمد را در حالی که نماز می خواند دیدم

آمدن اسم معرفه به جای ضمیر
احتمالات

المعلم یدرس والتلامیذ صامتون
معلم درس می دهد درحالی که دانش‌آموزان ساکت اند

اشتباه نگیریم ... با

صفت
رأیت طفلاً ضاحكاً / رأیت الطفل الضاحک

خبر افعال ناقصه
صار الطالب ناجحاً / كان الله علیماً

مفعول به
قرأ علیّ کتاباً / علی کتابی را خواند

مانند: جعلك الله سعيداً

فرق جمله وصفیه با حالیه

اسم نکره + فعل = جمله وصفیه

رأیت تلميذاً یقرأ الدرس
دانش‌آموزی را دیدم که درس می خواند

اسم معرفه + فعل = جمله حالیه

رأیت التلميذ یقرأ الدرس
دانش‌آموز را درحالی دیدم که درس می خواند

شاکر رئیسی
دبیرستان دانا و توانا - چابهار
@alarabee100